

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۰ مهر ماه ۱۳۲۲ *

فهرست مطالب :

- | | |
|---|--|
| ۱ - تصویب صورت مجلس | از قانون تشکیلات عدلیه و استخدام قضاة و رای ورود در شور دوم |
| ۲ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر بهداری | ۶ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر داد گستری |
| ۳ - شور و تصویب لایحه تبدیل زر به سیم | ۷ - بقیه شور اول لایحه اصلاح قسمتی از قانون تشکیلات داد گستری و استخدام قضاة |
| ۴ - تقدیم يك فقره طرح قانونی از طرف عده از آقایان نمایندگان راجع باجاره املاك و تصویب يك فوریت آن | ۸ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه . |
| ۵ - شور اول گزارش کمیسیون داد گستری راجع باصلاح چند ماده | |

(مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بر بابت آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس روز ۷ مهر ماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند *

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (اظهاری نشد)
صورت مجلس تصویب شد . آقای افشار :

افشار - عرض بنده راجع بدستور است قانون تبدیل زر به سیم که در جلسه گذشته مطرح بود آقای حکیم الدوله ادهم و سایر آقایان پیشنهادی کرده بودند که در کمیسیون مطرح شد و با يك اصلاحی مجدداً خبرش را بنده تهیه کرده و تقدیم داشتم چون در کمیسیون مطرح و اصلاح شد و چون این کاملاً مورد احتیاج وزارت دارائی و بانک است و بانک

هم منتظر تصویب این قانون است تا معاملات خود را انجام دهد استدعا میکنم مقرر فرمایند قبلاً از سایر لوایح این لایحه را زودتر مطرح بفرمائید تا این که بگذرد .

رئیس - جزء دستور معین شده بود ولی پیشنهادی که شده است يك قدری اهمیت دارد اگر موافقت میفرمائید .
دشتی - مخالف ندارد مطرح بفرمائید (صحیح است)

۲ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف

آقای وزیر بهداری]

وزیر بهداری - برای استفاده از وجود یک نفر متخصص

* عین مذاکرات مشروح دوست و چهارمین جلسه از سبزدهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : طالش خان - آملی - هدایت - فاطمی - شیرازی - ثقة الاسلامی - امیر تیمور .
غائبین بی اجازه - آقایان : رضوی - اقبال - تولیت - نوبخت - طوسی - مؤید ثابتي - فرخ - صفوی - مؤید احمدی - اورنگک - ریگی - شاهرودی - محیط لاریجانی - مشار - ناصری - اکبر - عطاء الله پالیزی - هدایت الله پالیزی - حمزه تاش - طباطبائی - نیکپور - نمازی - خسروشاهی - سلطانی - صادق وزیري - ناهید - پارسا - نقابت - کامل ماکو - معذل - نصر تیان .

و انتصاب او بسمت مدیریت کل وزارت بهداری و همچنین مدیریت کل (مدیریت عامل) بنگاه کل دارائی که قانون آن هم بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است لایحه تقدیم میشود و تقاضای استخدام دو نفر متخصص امریکائی شده است. لایحه را تقدیم میکنم.

رئیس - بکمیسیون فرستاده میشود.

[۳ - شور و تصویب لایحه راجع به تبدیل زر به سیم]

رئیس - گزارش کمیسیون دارائی راجع به تبدیل زر به سیم خوانده میشود کمیسیون قوانین دارائی لایحه شماره ۴۳۶۳ دولت را راجع بمبادله اسکناس بارز هائی که جزء پشتوانه در خارج از کشور موجود است با حضور آقای وزیر دارائی و آقای ابتهاج رئیس بانک ملی را با پیشنهاداتی که در این باب رسیده بود تحت شور قرار داده و بالاخره با اصلاحاتی که پیشنهاد شده بود بماده واحده زیر موافقت حاصل شده و اینک گزارش آن تقدیم مجلس شورای ملی میشود.

ماده واحده - هیئت نظارت اندوخته اسکناس مجاز است از زرهائی که جزء پشتوانه اسکناس در خارج از ایران بدست آمده یا بدست خواهد آمد بایران وارد نموده و با سیم موجوده در پشتوانه تبدیل و سیم مزبور را بفروش برساند.

نرخ فروش سیمی که از این تبدیل بدست می آید و سایر وسایل اجرای این قانون بجا به پیشنهاد هیئت نظارت اندوخته اسکناس و تصویب هیئت وزیران مقرر خواهد شد. هیئت نظارت اندوخته اسکناس هم چنین مجاز است که در مقابل دریافت زر از بانک ملی ایران در طهران بنرخ قانونی سیم اعم از شمش یا مسکوک بنرخ قانونی از پشتوانه خارج و ببانک ملی ایران تحویل نماید. مخبر کمیسیون دارائی - افشار

رئیس - آقای تهرانچی.

تهرانچی - بنده استدعا کرده بودم از آقای مخبر فرهندن مخبر کمیسیون افشار - بنده هستم مخبر کمیسیون.

تهرانچی - (آنوقت درجاسه گذشته بودید جنابعالی) که بنده را به کمیسیون که تشکیل میشود احضار بفرمایند و اطلاع بدهند که حاضر شوم و عرایضم را در آنجا عرض کنم متأسفانه مرا دعوت نکردند البته يك نقیصه این لایحه رفع شد و آن این است که اجازه میدهید باین که این سیم را با زر خارج تبدیل کنند در صورتی که در لایحه اولی که آقای مؤید احمدی توضیح می فرمودند صحیح و درست بود ولی در لایحه نبود که سیم پشتوانه بازرهای خارج تبدیل کنند و الا تبدیل کردن پشتوانه با پشتوانه که موضوع نداشت و همچو اجازه هم که در لایحه قبلی نبود ولی حالا این نقیصه رفع شده و اصلاح شده اما مخالفت بنده با این موضوع این است که باز عرض میکنم که آقای وزیر دارائی هم توجه بفرمایند آقایان نمایندگان هم توجه بفرمایند و آن این است که اصلاً تبدیل زر یعنی فروش زر از پشتوانه از خارج فروشش وقتی جزو پشتوانه نباشد این را بفروشد عیبی ندارد ولی زر پشتوانه را ما اجازه بدهیم بفروشند چطور میشود؟ که اجازه بدهیم بفروشد بنده نمیتوانم متقاعد بشوم چرا؟ چون این زر در مقابل صدور اسکناس داده شده است و اسکناس قبض اوست باین معنی که این يك فته طلبی است که شما باشخاص داده اید که در مقابل هر کس يك تومان اسکناس دارد چند گرم يك گرم (هر قدر که قانوناً معین است) در آنجا طلا دارد یا نقره دارد حالا چطور شما اجازه میدهید همان را ببرند بیرون و همان کسی که آن اسکناس را دارد آن مقدار هم زر و سیم دارد این زر و سیم او را بفروشد بقیمت بیشتری این را بنده نمیدانم چرا باید چنین اجازه بدهیم باین معنی که این پشتوانه که ما داریم صاحبانش دارندگان اسکناس هستند در خارج و ما حق نداریم اجازه بدهیم که زر آنها را ببرند در خارج بهمان ها بفروشد بقیمت بیشتری که در خود اسکناس معین شده است باین معنی که شما در روی يك اسکناس ده تومانی نوشته اید يك پهلوی ارزش دارد حالا میخواهید برای يك پهلوی پنجاه و دو تومان بفروشید یعنی پنج تا اسکناس ده تومانی با يك دو تومانی این را شما چه حق دارید برای

اینکه این پشتوانه که مال دولت نیست مال مردم است و در عوض هر کس طلا داده اسکناس گرفته است گذشته از آن که این عمل اصلاً خوب نیست باین معنی که ما شکست اسکناس خودمان را اجازه میدهیم آقایان استدعا میکنم توجه بفرمائید این مطلب ممکن است با يك مطالعه کمی بگذرد و آنوقت اسباب ضرر و شکست بیشتری بشود یعنی اسکناس بیشتری میخواهند اینها بعنوان اینکه میخواهند اسکناس را کم کنند در صورتیکه شما با این عمل قیمت اسکناس را کم کرده اید اسکناس مثل قبض يك تاجر است مثل يك فته طلب است باین ترتیب تمثل میکنم و مثال میزنم پولی بکسی میدهید بتاجری میدهید از او قبض میگیرید اسکناس هم حکم همین قبض را دارد بمردم در مقابل طلا و نقره این قبض را باو داده اید حالا منتهی امروز باو میگوئید که ما بتو نمیدهیم چون بر خلاف اصول اقتصادی کشور است و مضر است که حالا تبدیل شود ماهم موافقت کردیم و قانونی گذرانیم که رفع این محذور هم بشود اصل این است حالا شما چطور می خواهید اجازه بدهید که بکمتر از میزانی که قانوناً معین شده است قیمت بگذارند دولت یعنی چطور در مقابل این اسکناس که بانک انتشار داده اجازه میدهید از آن پشتوانه بردارند و بقیمت بیشتری بمردم بفروشند و اسکناس جمع آوری کنند خود شما اعتراف میکنید باینکه اسکناس با تعداد کمتری ذخیره قابل اتباع است و اصلاً قیمت آن را شکسته اید شما و این بعقیده بنده مضر است و هیچ مملکتی هم این کار را نکرده است من تعجب میکنم اگر آقایان مستشاران امریکائی ما این کار را کرده اند بمان بگویند آیا مملکت امریکا دولت امریکا این کار را کرده است آمریکا که نگفته است که از پشتوانه اسکناس بردارید و بقیمت بیشتری بفروشید و اسکناس جمع آوری کنید آیا در انگلستان این کار را کرده اند که نکرده اند که بیایند و بگویند ما طلا و نقره (البته آنها نقره در پشتوانه ندارند) طلائی که پشتوانه اسکناس است آن را در بازار بقیمت بیشتری بفروشند و اسکناس جمع کنند آیا در لندن

یادر نیویورک یا واشنگتن چنین کاری کرده اند و آیا چنین سابقه در انگلستان و در امریکا (امریکائی که از آنجا مستشار آورده اید) چنین کاری کرده اند آیا چنین عملی را می پذیرند البته خیر این عمل غلط است مضر است که بیایند پول کمتر بدهند و اسکناس بدست جمع کنند ما چطور می توانیم يك همچو عمل غلطی را اجازه بدهیم که بدست خودمان قیمت اسکناس را بشکنیم و بدست خودمان این عمل غلط را تصدیق کنیم و تولید بحران شدیدی بکنیم این به عقیده بنده مضر است عرض دیگر بنده این است که چون آقای نراقی فرمودند مقصود این است که طلای خارج را بفروشد و بیاورند قیمت هارا پائین بنده میگویم آقا کدام دولت چنین کاری را کرده است که طلا را بفروشد و بیاورد پائین اگر پائین آوردن طلا منظور است که قیمت هارا پائین بیاورد این که دیدیم نشد اما مقصودم حالا طلای پشتوانه هم نیست طلای خارج هم که باشد این عمل خودش مبارزه کردن با تجار ایرانی است و خوب نیست باین ترتیبی که میفرمائید هر روز قیمت طلا را بیاورید پائین باین معنی که امروز طلا را بفروشید شصت تومان فردا ۵۵ تومان پس فردا ۵۰ تومان آلهائی که میخرند ضرر میکنند و هیچ دولتی با اتباع داخله خودش اینطور مبارزه نمیکند که شما میخواهید بکنید! اگر خریداران طلای شما خارجی هستند که بنده نمیدانم اگر میخواهید يك قلم بفروشید خوب بگوئید ۳۰ تومان - ۴۰ تومان یکدفعه از اول هر کس میخواهد بخرد دیگر هر روز بیاورید پائین این چطور میشود هیچکس این کار را نکرده است هیچ دولتی و هیچ مملکتی را ندیده ایم که با اتباع داخلی خودش این کار را بکند دولت خود حافظ تمام شئون يك ملتی است و نباید با اتباع داخله خودش اینطور ضرر بزند امروز طلا را بيك قیمتی بفروشد فردا قیمتش را کمتر کند و باصطلاح يك دم پلنگی بکند یعنی همان کاری را که خارجیها در چند سال قبل با ما میکردند حالا دولت باملت خودش و با اهالی بکند اینرا

بنده اصلانمی فهمم یعنی چه ما که نباید مردم را فریب بدهیم امروز شصت تومان بفروشیم فردا ۵۵ تومان پس فردا ۵۰ تومان اینها يك عده از اهالی مملکتند مگر باید ورشکسته شوند؟ اگر این طور است حرفی است علیحده والا این سیاست يك سیاست غلطی است و دولت مکلف است اتباع داخله را حفظ کند دارائی تمول شمول و حیثیات آنها را حفظ کند و نگاه ندارد چطور میخواهد مرتکب این کار غلط بشود بعلاوه گذشته از این هیچ خریداری جرئت نمی کند این کار را بکند وقتی شما يك متاعی دارید بیایید پائین هیچکس جرئت نمی کند بخرد و نباید هم بخردا گرهم میخرند واقعاً محجورند یعنی باید دولت مکلف باشد از این جور اشخاص که خودشان میخواهند چنین کاری بکنند مطابق قوانین حقوقی و مدنی باید جلو گیری کند چه رسد باینکه خود دولت بیاید و با اهالی کشور خودش بازی کند یعنی يك جنس را بفروشد فردا ارزشش کند و بآنها ضرر بزند این کار کار غلطی است بعقیده بنده وفایده ای ندارد و راجع باسکناس و جمع آوری آنها هم طرز دیگری هست باید فکر کند و آن طرق را انتخاب کند نه اینکه شما بخواهید قیمت را از يك طرف بشکنید یعنی رسماً اعلام کنید که این ارزشش کمتر از مقدار ذخیره است و اشخاصی که در آنجا ذخیره دارند.

افشار - این طور نیست آقا.

تهرانچی - همین است آقا وقتی که شما این اجازه را میدهید معنایش همین است که دولت این کار را میخواهد بکند که با پول کمتر اسکناس بیشتری را بخرد یعنی يك پهلوی يك ده تومانی باز تکرار میکنم يك ده تومانی که که رویش نوشته است يك پهلوی بنده استدعا میکنم توجه بفرمائید با این که تکرار میکنم و آقای وزیر دارائی هم فرمودند فلانی تکرار میکند با اینکه تکرار میکنم.

سمیعی - وزیر دارائی هم تکرار میکند.

تهرانچی - باز جوابی را که می فرمایند ابداً باعراض بنده ارتباط ندارد استدعا میکنم التفات بفرمائید وقتی که شما يك اسکناس ده تومانی را که يك پهلوی است حالا اورا

بدهید پنج تا ده تومانی و يك دو تومانی یعنی ۵ برابر و قدری بالاتر آنرا بفروشید شما شکست این را اعلام کرده اید گذشته از اینکه اصلاً شما حق ندارید و شما نمی توانید يك پهلوی را بردارید در مقابل ۵ برابر و دو صدم اضافه بفروشید این خوب کاری نیست از نظر حقوقی هم تازه اشکال دارد و بصرفه و صلاح اسکناس مملکت نیست پول مملکت را هم متزلزل می کند.

وزیر دارائی - بنده اول این ماده را دو مرتبه میخوانم که آقای طهرانچی متوجه بشوند که ماده اصلاً چیست آنوقت مطلب روشن می شود.

ماده واحده - هیئت نظارت اندوخته اسکناس مجاز است از زرهائی که جزو پشتوانه اسکناس در خارج از ایران بدست آمده یا بدست خواهد آمد بایران وارد نموده و باسیم موجود در پشتوانه تبدیل و سیم مزبور را بفروش برساند این اجازه ایست که داده شده است پریروز هم عرض کردم حضورتان که ما دو قسمت پول داریم و پشتوانه هر کدام علیحده است یعنی يك قسمت آن ۳۵۰ میلیون بوده است تا آن بان که قانون جدیدش گذشت يك قسمت هم از آن ببعده است البته پشتوانه اش را تبدیل می کنند در پشتوانه اولی پریروز هم عرض کردم ما مقداری نقره داریم که میخواهیم آنها را تبدیل بطلا کنیم این را اشکالی دارید (طهرانچی - خیر) يك نقره که پایش در هواست؟

تهرانچی - نه آنرا بنده اشکال ندارم این پشتوانه نقره را میخواهیم تبدیل بزر بکنیم این که اشکالی ندارد و صد درصد هم به نفع مملکت است حالا آمدیم سیر قسمت دوم ما در قسمت دوم در چندی قبل اگر نظر آقایان باشد همه فریاد میزدیم اسکناسهائی که بدست مردم داده میشود پول ما را میشکند خراب میکند تورم پیدا میشود باید جلو گیری کرد و اسکناس کمتر بدست مردم داده شود این مذاکراتی بود که در اینجا ما میکردیم حالا که میخواهیم اسکناسها را جمع کنیم

تهرانچی - این دفع فاسد بافسد است.

وزیر دارائی - اجازه بفرمائید حالا مخالفت می فرمایند که چرا میخواهند اسکناس را جمع کنند دفع فاسد بافسد

هم نیست شما يك قسمت اسکناس در دست مردم دارید که همه می گفتند زیاد است تورم پیدا شده و اعتراض میکردید و همه هم مخالف با آن ترتیب بودند تا اینکه قانونی آمد و گذشت و این عمل قانونی شد حالا الآن که ما میخواهیم عملی بکنیم و اسکناس را جمع کنیم آقا مخالفت میفرمایند در هر حال میزان اسکناس که در دست مردم و در رواج باشد باید يك میزان معینی باشد و نباید از يك حد معینی تجاوز کند آگو از آن حد و آنقدر زیادتر باشد باید بيك وسائلی آن اسکناسها را از دست مردم در آورد و جمع کرد البته وسائل هم مختلف است و یکی از وسائلش در سایر ممالک این است که بوسیله انتشار اسناد خزانه یا وضع مالیات بر درآمد از دست مردم جمع می کنند اسکناسها را حالا مال البته وسائل مان کم است اسناد خزانه مان که تازه قانونش گذشته آن را هم نوشتیم برضایت مردم و البته بآن وسیله نمی توانیم اسکناسهای زیادی را جمع کنیم از جهت استقرار هم که البته حالا آن هم برای مامیسر نیست بنابراین یکی از آن وسائلی که ما پیدا کردیم و می توانیم با آن اسکناسها را جمع کنیم تا از این تورم جلو گیری شود همین است که يك مقداری طلا بدهیم ب مردم یعنی بفروشیم به پشتوانه و تبدیل به نقره بکنیم و نقره را بدهیم ب مردم که این اسکناسها را از مردم بگیرند پس قسمت اول را که تصدیق فرمودید بسیار خوب است و برای مملکت مفید است که ما طلا بگذاریم و نقره را برداریم و ب مردم بفروشیم در مقابل اسکناس جمع کنیم قسمت دوم را نیز تصدیق می فرمائید که ما آن پشتوانه اولی مان را که بواسطه این تبدیل سیم بزر البته صد در صد بر استحقاقش میافزاید بهتر است قسمت دیگر اینکه البته باید این اسکناسها را ما اگر فرض بفرمائید خودمان هم نخواهیم مردم هم اگر اسکناس را بیاورند و ما بدهند و ما از آن پشتوانه که داریم برداریم بدهیم و اسکناس از مردم بگیریم خوب این از جریان خارج می شود دیگر پشتوانه لازم ندارد (مؤید احمدی - صحیح است آقا) اما راجع به قسمت طلا که فرمودید ارزشش چیست و مردم آورده اند ببانگ در مقابل

اسکناس گرفته اند عرض میکنم مگر مردم طلا آورده اند ببانگ داده اند؟ کی يك مثقال زربانگ داده اسکناس گرفته دولت خودش طلا را خریده و گذاشته در پشتوانه اسکناس در بانگ در مقابلش هم طوری شده که استحقاق پولی ما را ملاحظه می فرمائید (صحیح است) که امروز استحقاق پولی ما طوری است که در هیچ نقطه از دنیا و هیچ مملکتی پولش با استحقاق پول ایران نیست هیچ جا صد در صد الآن پشتوانه ندارد که ما داریم (صحیح است) بنابراین ب مردم هم هیچ ضرر خسارتی نمیرسد اسکناس را شما می آورید میدیدید در مقابلش هم این چیزی که دارید میگیرید يك جنس در مقابلش داده شده يك معامله شده ولی اینطور نبوده که يك گرام یا دو گرام طلا داده باشد حالا بخواهیم بیاید يك تومان بدهد و پس بگیرد این قضیه که نبوده است این يك چیز هائی است در مملکت البته اگر يك تفاوتی هم در این قسمت پیدا میشود باز تفاوت مال هم خود مملکت است چون خرج مملکت را کسی باید بدهد؟ ملت باید بدهد اگر يك عوایدی هم از يك جا برای خود ملت پیدا میشود این را هم از آن چیز هائی که باید برای مملکت بدهد کمتر است اگر يك مؤسسه خارجی بود قسمت دیگر بود و می خواست انتفاعی ببرد اشکال هم وارد بود ولی این مال خود مملکت است مال خود ملت است تفاوتی هم نمیکند بهیچ جائی هم اشکالش بر نمی خورد يك مقداری طلای پشتوانه بعدی است که نقره را ما بر میداریم و مصرف میکنیم جایش طلا میگذاریم و در مقابل این نقره ها اسکناس جمع می کنیم بنابراین بهیچوجه از نقطه نظر استحقاق پول ضرری ندارد بلکه مستحکم تر میشود از نقطه نظر ضرر هم ضرری بکسی وارد نمی آید صدمه وارد نخواهد شد و روز بروز هم ... علت عمده اینکه الآن میفرمائید طلا ارزان هست ما که طلا را پائین و بالا نمیداریم و بزور بکسی نمیدهم پائین و بالا بردن آن از این لحاظ است که يك طلائی را گذاشته اند و می فروشد و تابع عرضه و تقاضا است امروز شصت تومان است فردا پنجاه تومان پس فردا چهل تومان می خرد یکی از علل عمده آمدن پائین چیست؟ علت همان استحقاق اسکناس است نظر باینکه استحقاق اسکناس

زیاد شده است و مردم اطمینان پیدا کرده اند کمتر میروند طلا بخرند و قیمتش پائین می آید البته اگر يك مقدارى مردم تزلزل داشتند فورى میآمدند می خریدندولى حالا چون مطمئن از اسکناس هستند اسکناس را نگاه میدارند و طلا را هم كسى دستى پائین نیاورده است و همین پائین آمدن نرخ طلا برای مملکت مفید است برای بازار ما مفید است چیزی نیست كه ضررش بكسى بخورد اگر يك كسى تجارت می كند می خرد و می فروشد يك وقت منفعت می كند يك وقت هم ضرر این هم حمایتى نیست از طرف دولت كه ما مجبور باشیم نرخ طلا را همیشه در هشتاد تومان نگاه بداریم كه ممكن است چهار نفر يك طلايى داشته باشند و اگر پائین بیاید آنها ضرر بكنند البته هر كس می خرد این تجارت است يك وقت ضرر می كند يك وقت نفع می كند قیمت هم تابع عرضه و تقاضا است بنابراین بعقیده بنده همانطور كه عرض كردم این قسمت هم اشكال و ضررى ندارد قسمت تبدیل زر به سیم را هم كه موافقید قسمت بالا و پائین قیمت را هم عرض كردم تابع عرضه و تقاضا است علاوه يك طلايى است در بایك خود بانك بانك مملكتى است بانك مالى است طلايى بدست می آورد می تواند خودش بفروشد و هیچ محتاج با اجازه ما نیست گفتیم كه او هم اگر هر قدر توانست طلا بیاورد بفروشد می تواند بیاورد بدهد بقسمت ناشر اسکناس و نقره بگیرد آنوقت نقره ها را تبدیل بطلا بكنند و چیز دیگری نیست و این صد در صد ب نفع پول كشور و نفع عموم است.

رئیس - آقای انوار

انوار - موافقم

رئیس - آقای منشور موافقید؟

منشور - در يك قسمت موافقم و در يك قسمت مخالف (خنده نمایندگان) اجازه بفرمائید عرض كنم.

هاشمی - پس ميشويد بالاتكليف

رئیس - بفرمائید.

منشور - متأسفانه در موقع شور در لوايح انسان يا بايد موافق صرف باشد يا مخالف صرف و این درست در نمی آید.

بنده از جهت مخالفت همان عقیده را دارم كه آقای تهرانچی داشتند البته در همه دنیا هر جا كه بانك هست و بخواهند اسکناس انتشار بدهند بانك ناشر اسکناس باشد در مقابل اسکناس كه در دست مردم میدهد در بانك پول طلا و نقره موجود است در امرى كه هم همین جور است در آن موقعى كه ما تحصیل علم اقتصاد را میكردیم يكى دو رقم اسکناس در آنجا هست يكى را بهش میگویند سرتیفىكا كه نقره است و تا پنج دلار است يكى هم سرتیفىكای طلا است كه آن از پنج دلار ببالا است شما هر وقت این اسکناس را ببرید بخرانه داری امرى كه طلا بخواهید فورى بشما طلا میدهند مثلاً بنده خودم در جنگ گذشته در امرى كه بودم خواستم به ایران بیایم مقداری اسکناس داشتم بر دم بخرانه داری كل گفتم بمن طلا بدهید چون در داخله مملكت بود فوراً بمن دادند و من طلا را گرفتم و چون دارای تذکره سیاسى بودم توانستم آن طلا را بیاورم بیرون و آوردم و در ایران فروختم و آنها هیچوقت بشما نمیگویند كه عوض يك دلار اسکناسى كه باید در مقابل يك دلار طلا عوض بشود بگویند نمیدهیم به محض اینكه اسکناس را بدهید فورى بشما طلا میدهند و این پول در خزانة داری موجود است و همیشه هست و متعلق بمردم و مال مردم است مال عموم است و آنچه هم كه داد و ستد ميشود این اسکناس ها تصدیق آن پولهای طلا است كه آنجا بعنوان پشتوانه هست و قتمى كه قانون گذشت و اختیاراتى بدولت یابیه هیئت نظارت اسکناس داده شده جا گفته شد این اسکناس پشتوانه اش خیلی محكم است یعنی بعد از آنكه جنگ تمام شد در مقابل يك پهلوى اسکناس ما بشما يك پهلوى طلا میدهیم كه ارزش يك لیره انگلیسى را دارد البته ما هم انتظار داشتیم كه این لیره انگلیسى را در مقابل این ده تومانی (يك پهلوى) بگیریم و همه اشخاص تاجر كاسب بتوانند معامله بكنند آقای وزیر دارائى این را هم توجه داشته باشید همه مردم كه تاجر و كاسب نیستند كه معامله كنند این فرض را هم قبول بفرمائید كه خیلی اشخاص هم هستند كه پول موجود دارند از سابق با كسانى هستند كه امروز يك تومان

همان يك تومان برابر ایشان ارزش دارد مثل كارمندان دولت كه همه روى میزان سابق يك تومان ثابت سابق را میگیرند و حقوقشان از روى همان يك تومان است و این عده هم داد و فریادشان همیشه بلند است كه ما وضعمان بخیر چنان نمیرسد و تعجب در این است كه شما يك تومان را بجای يك تومان بما میدهید اما در بازار هیچكس قبول نمیکند باین قیمت پس از این جهت بنده باین لایحه مخالفم از طرف دیگر آقایان موافقین باین لایحه يك دلایلى میآورند و میگویند كه متفقین ما محتاج پولند و ما مجبور هستیم بآنها پول بدهیم اگر نباشد ما اسکناس دوباره چاپ كنیم یا بدهیم چاپ كنند و بدستشان بدهیم تورم پول پیدا ميشود و اگر خبر این پشتوانه ها را ما بدهیم و كلغذ جمع كنیم و كلغذ را بآنها برگردانیم از تورم جلو گیری ميشود چون بیش از این چیزی نفرمودند و میفرمایند كه این باعث ميشود كه از تورم جلو گیری كند و جمع آوری كنند اسکناس را بنده میتوانم موافقت كنم كه این لایحه تصویب شود و آن پشتوانه ها بیاید تبدیل باسکناس شود و اسکناس هم جمع شود و نیز صحبت هم اینجا شد اكثر آقایان خیلی اصرار دارند برای جلو گیری از تورم اسکناس این موضوع حتماً با طلا كه علاج نمیشود غیر از طلا خیلی چیزهای دیگر دارند كه بفروشند يكى قسمت كارخانجات است كه چندین مرتبه اینجا صحبتش شد يكى موضوع مالیات بر درآمد است ولى شما هنوز نتوانسته اید كه حساب كنید از راه مالیات بر درآمد چقدر اسکناس میتوانید جمع كنید یا از راه فروش كارخانجات و اسهام آن چقدر میتوانید اسکناس بدست بیاورید اینها يك چیزهائى است كه در عمل معلوم خواهد شد و اینها مسلماً با جمع كردن اسکناس و این ترتیب كه جلو تورم را بگیرند در قیمت ها تأثیرى نخواهد داشت درست است اسکناس شما قیمت پیدا میکند اما باید بمردم هم جنس ارزان بدهید، گندم بدهید، چیزهای دیگر بدهید یا اجازه بدهید آزادانه بیاورند و بفروشند و مثل همه جای دنیا كسكورانس و رقابت در بین باشد شما همه كارها را در دست

رئیس - آقای نراقى.

نراقى - بنده تصور نمیكردم مطلب باین واضحى و روشنى را كه اكثر آقایان تصدیق دارند كه صد درصد به نفع كشور و اقتصاد كشور است این قدر رویش مباحثه شود در شور اول مورد موافقت آقایان قرار گرفت و گمان میكردم در شور دوم هم همانطور تصویب خواهد شد و تصور میكنم عدم التفات و توجه آقای طهرانچی يك اندازه اسباب شده است كه ذهن آقای منشور هم مكدن شده است و منحرف از مجرای مستقیم شده است استدعا میكنم توجه بفرمائید رفع اشكال آقایان خیلی آسان است این چند نکته كه فرمودند يكى يكى بنده اشكالاتشان را رفع میكنم اما تمنى میكنم از نقطه نظر التفات یعنی حسن قبول توجه بفرمائید نه احتجاج. طبق پیمان مالى ما مكلفیم كه احتیاجات ریالى متفقین را رفع كنیم یعنی هر قدر از ما ریال بخواهند بهشان بدهیم در مقابل هم آنها بما ارز میدهند و مكلفند ارز بدهند و سه ماه سه ماه تبدیل ميشود به طلا و ما این معامله را از ۲۸ آبان سال گذشته شروع كردیم با آنها تا حالا و در حدود ۱۵۶ خروار طلا بدست آوردیم در پرتوریا و امانت ما قرار گرفته است آنها هم در مقابل يك مقداری اسکناس از ما گرفته اند و در بازار ایران خرج کرده اند و بر حجم اسکناسهای ما يك قدرى افزوده شده است حالا توجه بفرمائید اگر خدای نکرده سه سال دیگر جنگ طول بكشد آیا تا سه سال دیگر ما باید با آنها اسکناس بدهیم و عوض ۱۵۶ خروار خروار طلا ما آنها انبار بشود و مقدار اسکناس ۵۰۰ میلیون بشود شش هزار میلیون آنوقت ملاحظه بفرمائید كار افلاس مملكت بكجا میکشد پس ما كه این ترتیب را اگر متوالیاً و مستمرأ ادامه بدهیم بضرر و خطر كشور است لهذا از چندى قبل دولت

مشغول مذاکره و مباحثه با آنها شدند اگرچه طبق پیمان مالی آنها مکلف نیستند که این طلاها را بمانند بدهند و تا ۶ ماه بعد از جنگ هم ما نمیتوانیم از آنها استفاده کنیم و باید همانطور در پرتوریا بمانند اما آنها هم کم کم توجه کرده اند باین ورشکستگی پولی و تورم اسعار و اسکناس و حاضر شدند این طلاهای ما را بتدریج بخرج خودشان بیاورند و بما تحویل بدهند غیر از اظهار امتنان ما چه میتوانیم در مقابل آنها داشته باشیم و يك پارتیش هم حمل کرده اند بطرف ایران (قبل از تصویب شدن این قانون) که عنقریب در طهران بما تحویل خواهد شد و وقتی که این طلا آمد بطهران در طهران چه کارش بکنیم همینطور بگذاریم باشد و انبارش بکنیم و همی اسکناس چاپ کنیم و طلا بگیریم با اینکه عقل تجویز میکند که این طلاها را بدهیم بدست مردمیکه اسکناس دارند و اسکناسهایشان را پس بگیریم و از جریان خارج کنیم و باطل کنیم حالا جنابعالی يك مطلبی میفرمائید که خواهش میکنم درست توجه بفرمائید تا من آن مطلب و ایرادتان را رفع و مشکلتان را حل کنم جنابعالی میفرمائید که این طلاها خودش جزو پشتوانه است نقره ها هم جزو پشتوانه است و چطور ما میتوانیم پشتوانه را با پشتوانه تبدیل کنیم نمیشود که بفرمائید اینطور نیست این يك کمی مغالطه است برای جمع کردن اسکناس راه حل این است که این طلاهایی که در مقابلش اسکناس منتشر شده است هر گرم طلا چند ریال کاغذ است که در دست مردم است این طلاها را بدهیم آن اسکناسها را از جریان خارج کنیم با این عمل هیچکس نمی تواند مخالفت کند که مقدار اسکناس باین ترتیب که عرض کردم که هر کس ریال کاغذ دارد چند گرم طلا بهش پس بدهند و در مقابل آن ریال کاغذی را ازش پس بگیرند و نوبی بخاریهای بانک بسوزانند و از بین ببرند پس درست توجه بفرمائید اینجا پشتوانه ای از بین رفته است اسکناس از جریان خارج شده و پشتوانه بدست صاحبش رسیده است و ما در ضمن این عمل گفتیم يك عمل خیر دیگر هم انجام بگیرد و يك واسطه ای برایش قرار دادیم و آن واسطه این است که بجای اینکه این طلاها را

بدهیم بدست مردم و کاغذ را جمع کنیم این طلاها را میگذاریم بجای آن نقره هایی که در پشتوانه اسکناس جمع شده و هر روز هم در بازار از ارزشش دارن کاسته میشود و شاید سال دیگر نصف قیمت امروز را داشته باشد این طلاها را بگذاریم بجای آن نقره هایی که در شرف سقوط است و نقره ها را بیرون بیاوریم و بفروشیم پس منظور حاصل شده است يك واسطه ای هم بکار رفته است و بر حسن عمل افزوده است پس در پشتوانه که تغییری حاصل نمی شود پشتوانه را دادیم اسکناس جمع کردیم منتها نقره بی ثبات و بی ارزش را هم در ضمن از دست دادیم و پشتوانه ماضماً يك کاسه شده است طلا پس این ایراد نشد که میفرمائید پشتوانه با پشتوانه عوض شده است يك ایراد دیگران این است که میفرمائید (آقای طهرانچی - تمنا میکنم توجه بفرمائید) که این طلائی که در عوض اسکناس برایش چاپ و منتشر شده است حالا که میخواهیم بر گردانیم بدست مردم با يك قیمت دیگری فوق آن قیمت و اسکناس جمع کنیم این حرف البته ظاهراً صحیح است اما غیر از این هم چاره نیست چرا؟ چون ما مکلف هستیم اسکناسها را جمع آوری کنیم راه منحصر بفردش هم این است که پشتوانه طلا یا نقره را بدهیم بدست مردم و از آنها اسکناس پس بگیریم این مردمیکه الآن اسکناسها در دستشان است اینها همان مردمی هستند که يك ریال نقره داده اند و يك ریال کاغذ گرفته اند و اینهمه ریالها همان ریالهایی است که بایک مثقال نقره مبادله شده است یا این اسکناسها همه همان اسکناسهایی است که هر صد ریالش بایک پهلوی طلا مبادله شده بوده است؟ آن روز اولش هم خیالی و تئوری بود چه رسد بحالا آنروزی که قانون از مجلس شورای ملی گذشت که يك پهلوی طلا قیمتش صد ریال است آنوقت آقای طهرانچی جنابعالی که ملاک هستید گندم هم در طهران خرواری ده تومان ۲۰ تومان ارزش داشت یعنی يك لیره طلا میدادید و يك خروار گندم می گرفتید حالا گندم خرواری پانصد تومان است یعنی گندم را میخواهید خرواری پانصد تومان بفروشید یعنی پنجاه پهلوی طلا؟ آنوقت توقع دارید امروز گندم را خرواری پانصد تومان فروختید پانصد تومان را بدهید از همان

نرخ طلا بشما بدهند یعنی هر ده تومان را بگیرند يك لیره طلا بشما بدهند آقای مالکی که آنروز يك لیره طلا میدادیم يك خروار گندم میداد حالا يك خروار گندم را میخواهید بدهد در عوض پنجاه لیره طلا بگیرد، منظورتان آنطوری که آقای منشور فرمودند این است؟ یعنی آنروز هر کس زمین متری دو عباسی خریده بود روی لیره یکی ده تومان حالا زمین شده است متری بیست تومان حالا هم متری بیست تومان بفروشد دو لیره طلا بهش بدهیم؟ این است منظورتان همانطور که در همه نرخها تغییرات جالب توجهی پیش آمده حالا چه می فرمائید؟ (طهرانچی - اینطور نیست) باز هم بنده توضیح میدهم توجه بفرمائید: الآن ما می خواهیم بر گردانیم این طلاها را بر مردم اسکناسها را جمع کنیم اگر خواستیم نرخ قانونیش را رعایت کنیم یعنی يك لیره طلا را بدهیم بیست و شش تومان و هفت قران بگیریم با چه کسی این کار را بکنیم آیا با آنهائی که دم بانک ایستاده اند یا آنهائی که تشبث می کنند و واسطه دارند بهمه که نمیرسد پس ناچاریم نرخ بازار آزادش را رعایت کنیم بگذارید از این راه يك درآمد غیر مرئی برای خزانه دولت فراهم بشود این ضرر آن کسانی که يك مقدار معینی پول نوبی جیبشان هست مستخدم و کار مزد نیست، کار مزد و کسانی که اجرت گرفته اند پول نوبی جیبشان نیست که غصه شان را بخورید اینها محتکرینی هستند که گندم را خرواری پانصد تومان فروخته اند زمین متری دو بیست تومان فروخته اند دنده شان نرم شود این اشخاص لیره راهم چند ریال از قیمت قانونی گران تر بخرند (صحیح است) بگذارید از این راه چند ریال درآمد غیر مرئی برای خزانه دولت تهیه بشود که کمتر احتیاج پیدا بکنند بوصول مالیات اما این راهم بدانید باز هم دولت چشم باین ندوخته است يك مرتبه يك تفاوتی که در ارزیابی پیدا شد طبق قانون ۲۸ آبان خاطر آقایان هست که پشتوانه ۳۵۰ میلیون تومان تجدید ارزیابی شد ۸۹ میلیون تومان تفاوت پیدا شد این را دولت هیچ تصرف نکرد و باختیار هیئت نظارت اسکناس گذاشت ما هم ضمیمه

پشتوانه کردیم الآن هم هر چه تفاوت پیدا بشود دولت نمیشود و این بنفع کشور ضبط خواهد شد برای استحکام پول در ذخیره باقی خواهد ماند (طهرانچی - آنوقت آنهائی که باقی مانده است پشتوانه اش چه میشود؟) توجه بفرمائید گرفتن و جمع کردن اسکناس که لازم و مفید و این کار را باید بکنیم اما وقتی میخواهیم این کار را بکنیم با رعایت نرخ قانونی بکنیم؟ به کی بدهیم؟ به کدام اسکناس دارها بگوئیم اسکناسهای نان را بدهید طلا بگیرید بهمه که نمیرسد، بيك عده قطعاً نمیرسد پس این کار عملی نیست و درش رعایت عدالت نمیشود پس ناچاریم رعایت نرخ آزاد را بکنیم و وقتی رعایت بازار آزاد را کردیم چند ریالی تفاوت این میشود و این يك در آمد غیر مرئی کشور خواهد بود که بخزانه میرود و به اسکناس نفع خواهد رسانید. دیگر چه اشکالی در این قانون خواهد بود؟

رئیس - پیشنهاد آقای انوار

پیشنهاد میکنم تبصره اضافه گردد: تبصره - دولت مکلف است هر ماهه صورت جمع آوری اسکناس زاید را با اطلاع عامه برساند

رئیس - آقای انوار

انوار - بنده متأسفم از این عقیده ای که آنروز آقای دشتی اظهار کردند که زیادتای اسکناس باعث ترقی زندگانی مردم شده است اسکناس هر چه کمتر باشد زندگانی پائین می آید یا مسلم است که میگویند کل شیئی جاوز حده انعکس الی ضده یعنی هر چیزی که از حدش تجاوز کرد ضده موجود میشود اگر اسکناس ما هم زیاد نبود و اینقدر در ما بین مردم منتشر نبود این همه زندگانی ما ترقی نمیکرد ناچار ارزش خودش را از دست داده است، قیمت يك لیره شش تومان و هشتقران بود هی آمدند اسکناس منتشر کردند تا رسانند باینجا و حالا هم چاره نیست جز اینکه اسکناس زاید را از جریان خارج کنند و خارج شدن اسکناس زاید هم هیچ ضرری ندارد و اینکه آقای طهرانچی فرمودند ضرر مردم خواهد رسید آقا این چه فرمایشی است که میفرمائید. بيك وقتی دولت می آید چرم را در تمام مملکت رواج میدهد بعد

اگر بیاید چرم را بر گرداند بضرر مملکت است؟ آقا اعتبار دولت مناط اعتبار اسکناس است، اعتباری که دولت میدهد با اسکناس این مناط میشود. دولت جمع میکند چاره هم ندارد هر چیزی که زیاد پیدا شد از زرش کم میشود پس مناط این لایحه برای جمع آوری اسکناس زیاد است ولی برای اینکه هم مردم مطلع بشوند و هم محتکربین بدانند که این اسکناسها از گردش خارج میشود ماه بماه آن اندازه اسکناس زیاد که از جریان خارج میشود اعلان کنند که این ماه چه اندازه خارج میشود بگذارید این مسئله عملی بشود و کاملاً معلوم شود اگر میفرمایند این عملی هست بنده پس میگیرم و اگر نیست این را عملی کنند

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بعقیده بنده آقای انوار پیشنهادشان را پس بگیرند بعلمت اینکه هر پانزده روز یکمرتبه بانک از تمام جریانات بانکی اسکناس صورتی چاپ میکند و منتشر میکند و همه ماهه به هیئت دولت صورت میدهد در مجله رسمی عدلیه طبع میشود علاوه بر این در تمام جراید هر چه اسکناس درماد جمع آوری میشود بتمام مردم اطلاع داده میشود پس این تبصره مورد ندارد.

انوار - بنده قبول میکنم اگر همچو چیزی هست مقصود بنده حاصل است پس میگیرم

رئیس - پیشنهاد آقای تهرانچی

اینجناب تبصره زیر را پیشنهاد میکنم: اسکناسهای جمع آوری شده بوسیله فروش نقره را هیئت نظارت اسکناس مکلف است از گردش خارج نماید

رئیس - آقای تهرانچی

تهرانچی - بنده این پیشنهاد را کردم برای اینکه به آقایان بگویم فرمایشاتی که در اینجا میشود نمیخواهند آن را عمل کنند باین معنی که اینجا آقای وزیر دارائی و آقای نراقی فرمودند میخواهند اسکناس را چون زیاد شده است از مردم بخرند در مقابل طلائی که متفقین بما داده اند و این تورم اسکناس را کم بکنند آیا در این لایحه هیچ هست که اسکناسهای جمع آوری شده از گردش و از انتشار خارج

بشود؟ هیچ همچو چیزی نیست (افشار - تمبیجه اش همین است) نتیجه اش این نیست آقای افشار توجه بفرمایند اولاً آقای وزیر دارائی فرمودند که کسی طلا نداده است اسکناس بگیرد آقای وزیر دارائی باید توجه بفرمایند که طلا کار است یعنی ثروت عبارت از کار است هر تولیدی از کار میشود خود متفقین که بشما طلا میدهند اسکناس میگیرند بجای آن که نمیدهند در مقابل کار ب مردم داده اند اصل ثروت در دنیا کار است آقای نراقی می فرمایند که لیره داده شده است در زمان قدیم در مقابل هشت تومان یاده تومان، اولاً همه که از احتکار پول گیر نیآورده اند تمام این عمله عکره که برای متفقین برای دولت کار میکنند اینها همه احتکار کرده اند اینها اگر پول دارند گناه کرده اند اگر پول داشته باشند بنده عرض میکنم شما که قیمت اسکناس را صریحاً اجازه میدهید به هیئت ذخیره اسکناس که کمتر از آن مقدار طلا بدهد و اسکناس بیشتر بگیرد همینطوری که آقای منشور توضیح فرمودند و خود هم عرض کردم این صدمه بهمان اشخاصی که گندم خرورای پانصد تومان فروختند ضرر نمیزند این ضرر به اشخاصی که کار کرده اند میخورد اصلاً گندم خرورای پانصد تومان کی فروخته است آقا؟ من نمیدانم هنوز نشنیده ام که گندم پانصد تومان شده باشد این مغالطه است حالا بنده برای اینکه آقایان بدانند نظری ندارم عرض میکنم خود تبدیل به نقره چون این لایحه با لایحه پیش فرق کرده است برای اینکه درش اجازه فروش طلا را داشت ولی حالا فقط نقره است اولاً تبدیل طلا به نقره برای این است که این ارزها جدید است و نقره قدیم و این طور هم که می فرمایند صد در صد ب نفع کشور است معلوم نیست همچو چیزی باشد بنده مخالف بیستم با این اصل که نقره ها تبدیل بطلا بشود ولی معلوم است که هیچکس که بعلم اقتصاد کوچکترین آشنائی داشته باشد نمیتواند چنین بیانی بکند اینکه نقره بک جنس است ممکن است ترقی هم بکند تنزل هم بکند (افشار - تنزل میکند) نه همچو چیزی نیست در دنیا هر کس که عالم بعلم اقتصاد باشد هیچوقت نمی تواند بگوید بک متاعی بطور حتم ترقی میکند یا تنزل این

بسته است به عرضه و تقاضا جلا ضرری هم ندارد و این ضرری هم ندارد که تبدیل بشود ولی منظور این است که ما حق نداریم که طلا را باین قیمت بفروشیم نباید بکنیم این قیمت اسکناسها را هم میشکند تازه در لایحه ابداً چنین چیزی نیست که اسکناسها را از گردش خارج کنند و خواهش می کنم این پیشنهاد بنده را قبول بفرمایند.

مخبر (آقای افشار) - آقای تهرانچی در اطراف پیشنهاد خودشان مطالب دیگری را فرمودند که البته بنده نباید جواب عرض کنم مطابق قانون نشر اسکناس و جریان اسکناس جریانی دارد که ما نمیتوانیم اسکناسی را که پشتوانه نداشته باشد بجریان بگذاریم وقتی که اسکناس را تبدیل بزر کرده خود اسکناس قهراً از جریان می افتد و لهذا اتوماتیک مان از جریان خارج میشود (تهرانچی - خوب قبول کنید دیگر آقا) چیزی که برخلاف قانون است من چطور قبول کنم (تهرانچی پس نمیخواهید از استیضاح خارج کنید) قانون مقرر داشته است که جریان اسکناس بک نحوه و بک روش معینی دارد و آن روش این است که اگر پشتوانه نداشته باشد انتشار پیدا نمیکند هر اسکناسی که بوسیله فروش طلا یا نقره از جریان خارج میشود قهراً خودش جریان ندارد مگر آنکه دو مرتبه مطابق مقرراتی که با متفقین خودمان بسته ایم آنها احتیاج ریالی پیدا کنند بهشان بدهیم دو مرتبه بیاوریم بازار (تهرانچی - پس این تسلسل است باز) البته این تسلسل طبیعی است و قهراً این کار خواهد شد و مادام که جنک ادامه دارد و ما پیمانی با متفقین داریم نمیتوانیم زیر پیمان خودمان بزنییم ما موظفیم احتیاجات ریالی آنها را رفع کنیم ولی برای اینکه تورمی در بازار پیدا نشود میخواهیم اسکناسها را بوسیله فروش نقره جمع کنیم که اسباب زحمت مردم نشود.

تهرانچی - بنده پیشنهاد را پس میگیرم چون منظورم از این پیشنهاد این بود که بگویم منظور شما این نیست که از تورم اسکناس کم بشود و اینها از جریان خارج نمیشود.

دشتمی - بلی خوب جمع میکنند دوباره که دادند پشتوانه هایش حاصل میشود.

رئیس - رأی میگیریم بماده واحده آقایان موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

۴ - تقدیم یک فقره طرح قانونی از طرف عده از آقایان نمایندگان راجع باجاره املاک و تصویب یک فوریت آن

رئیس - طرحی است که عده ای از آقایان پیشنهاد کرده اند قرائت میشود:

مجلس شورای املاک مزروعی که باجاره نقدی واگذار شده در تمام کشور از روی قیمت معین محصول آن سال اجاره بوده است نظر باینکه املاک مال الاجاره باید متناسب قیمت محصول املاک مورد اجاره باشد و نظر باینکه هزینه زندگی تمامی افراد که از آنجمله صاحبان املاک میباشد حد اقل از ده برابر تا بیست برابر نسبت بهمین گرانی اجناس زیاد شده است و بعلاوه املاک نامبرده دارای مخارج زیادی است که گردن گیر مالک خواهد بود و این مخارج زیاد در موقع تنظیم اجاره نامه پیش بینی نشده بود که تا این اندازه ترقی خواهد کرد و از طرف دیگر حاصل املاک هم بحد اعلائی که ده برابر و بعضی اجناس که بیست برابر ترقی نموده و مستأجر منافع خود دانسته مالکین از یکطرف ناچارند ملک را آباد داشته که مستأجر از منافع حاصله استفاده کند از طرف دیگر مخارج قنای و بنائی کمر شکن او را در مضیقه قرارداد از نقطه نظر انصاف و عدالت مقتضی است از نفع سرشار مستأجر مازاد هر مال الاجاره بهره بمالک داده شود امضاء کنندگان زیر ماده واحده را پیشنهاد و تقاضای تصویب آنرا بقید دو فوریت مینمائیم

ماده واحده - مستأجرین املاک مزروعی که بمال الاجاره نقدی املاکی را فعلاً در اجاره دارند مکلف هستند از سال ۱۳۲۱ تا آخر مدت اجاره منافع و عوائد حاصله از املاک مورد مستأجره را پس از کسر کردن مخارج معمول زراعتی و مال الاجاره مقرر بقیه عوائد را تنصیفاً با مالک بقراردانف مستأجر و نصف مالک تقسیم نمایند وزارت داد گستری مسئول اجرا خواهد بود - بامضای جمعی

هاشمی - از اکثر شهرها هم این شکایت شده است.
تهرانچی - عیبی ندارد
معدل - آقا این لایحه برخلاف قانون اساسی است نمیشود در مجلس شورای ملی مطرح کرد.

رئیس - آقای دهسانی

دهستانی - این طرحی که آقایان تهیه فرموده اند گمان میکنم که بی جهت نبوده است و زبانی که مالکین آن این راه میبرند کاملاً محسوس است برای اینکه اجازه ای که اینها داده اند در موقعی بوده است که گندم و جو خرواری بیست تومان الی بیست و پنج تومان بوده است و حالا رسیده است سیصد الی پانصد تومان بنده نمیخواهم عرض کنم که پیش آمد اینطور بوده باید نفع ببرند البته ممکن بود عکس این هم باشد یعنی یک خروار گندم پنج تومان بشود ولی باز وقتی مقایسه میکنیم میبینیم عکسش را هم بکنیم درست نمیشود یعنی بقدری نرخ بالا رفته که صد در صد در مضیقه هستند بنابراین بنده هم با این لایحه موافقم ولی نه با اینطوری که مثلاً گفته اند چه بشود بنده عقیده ام این است که تناسب ترقی نرخ جنس را بسنجند بهمان تناسب نصف را مستاجر بدهد نصف را مالک

دشتی - فوریت مطرح است این صحبت ها که میشود راجع بفوریت نیست.

رئیس - آقای مهذب راجع بفوریت است بفرمائید
مهذب - عرض کنم این يك موضوعی است که محتاج بيك مطالعه دقیقتری است چون يك قوانینی ما داریم قانون اساسی است قوانین مدنی است که در آنها حقوق برای عقود و قراردادها عقد اجاره عقد بیع و از قبیل اینها رعایت شده و ما بیائیم حالا يك کاری بکنیم با فوریت به نفع مالک فردا مستاجر بیاید بگوید اگر ما ضرر کردیم تکلیف چیست آفت بشود تکلیف چیست اینها يك جهات زیادی است که مطالعات زیادی لازم دارد باعتبار بنده باید این برود بکمیسون مبتکران آنجا با نظر دولت که احاطه دارد بشکایات مالکین و مستاجرین لایحه ای تنظیم بشود بیاید قابل توجه بشود بعد برود به کمیسیون داد گستری تا آنجا تکلیفش معلوم بشود والا اگر

اینجا با فوریت بگذرد امروز بنفع مالکین ما صحبت میکنیم فردا مستاجرین که عده شان خیلی زیاد تر از مالکین است می آیند شکایت میکنند و حق هم با آنها است.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده هم معتقدم باینکه آقایان موافقت بفرمایند برود به کمیسیون در اینکه این موضوع علی ای حال تماس زیادی با اغلب مردم دارد و يك چیز فوق العاده پیش پا افتاده ای است که میزبان مال الاجاره املاک مزروعی با قیمت جنس تناسب ندارد هیچ شبهه نیست از این جهت این را با خیلی دقت و بیغرض و عاری از احساسات باید مطالعه کرد بنابراین بنده استدعا میکنم از آقایانی که امضا کرده اند موافقت بکنند برود بکمیسون و بایک فوریت باشد ما هم بایک فوریت موافق هستیم که برود به کمیسیون داد گستری

رئیس - آقای انوار

انوار - وقتی که يك فوریتش قبول شد بکمیسون مبتکران دیگر نمیرود میرود بکمیسون عدلیه و مالیه چون يك فوریتش را مجلس قبول میکند میرود بکمیسون و آنجا با موافقت نظر دولت اصلاح میشود.

معدل - بنده بایک فوریتش هم مخالفم

رئیس - بفرمائید.

معدل - آقایانی که با يك فوریت این لایحه موافقت میکنند باید توجه داشته باشند که این هم از مسائلی است که در مجلس مطرح میشود آخر قانون مستغلات غیر از قوانین دیگر است همانطور که آقای مهذب توضیح دادند این با قوانین بسیاری تماس دارد از طرفی وقتی شما در متن این پیشنهادتان نوشته اید که این قانون از فلان تاریخ بموقع اجرا گذاشته میشود این چه يك ماه دیرتر حکمش صادر شود چه يك ماه زودتر صادر شود برای اینکه رویش نوشته اند که از فلان سال از فلان تاریخ بموقع اجرا گذاشته شود وقتی که گفته شد از فلان تاریخ (از سال ۱۳۲۱) چه ده روز زودتر یا دیرتر ولی در هر صورت تمام دقایق مورد مطالعه قرار داده میشود این نباید برسد به ولایات و نقاط مختلف و در جرائد منعکس شود و اقوال و حالات مختلفی که در اطراف موضوع

هست همه روشن بشود تا با جمع کلیه این نظریات مختلف مقننین در این خصوص نظری بدهند بنده تصور نمیکنم این جا حق با يك فوریت هم باشد يك وقتی است يك چیزی است که فرصت فوت میشود و زمان میگذرد و يك نفعی از دست کسی میگذرد ولی اگر شما در نظر گرفتید که از دو سال پیش هم چه تأثیری پیدا نمیکند و بنده با يك فوریتش هم مخالف هستم و يك جلسه یا دو جلسه تأخیرش هم اشکالی ندارد.

رئیس - آقای هاشمی.

هاشمی - بنده که یکی از امضاء کنندگان این طرح بودم نظر باینکه از اواسط سال ۱۳۲۱ از بعضی ولایات این شکایات میشد مخصوصاً با گرانی و کمیابی جنس و غله حتی بعضی مستاجرین که موعد اجاره شان سر آمده بود نظر بگرانی جنس بندر را هم فروخته بودند که منافع کلی داشت از این جهت بنده بواسطه شکایاتی که شده بود از طرف موجرین و مالکین و بی انصافی که مستاجرین ابراز داشته بودند از خودشان این طرح را امضا کردم و اصراری هم ندارم باقید يك فوریت یا دو فوریت باشد بیشتر میخواهید مطالعه کنید اما اینکه آقای معدل فرمودند با قانون اساسی مخالفت و مبیانت دارد عرض میکنم این با قانون تعدیل مال الاجاره چه فرقی دارد و یکی است (صحیح است).

رئیس - آقای طهرانچی.

طهرانچی - بنده عرض کنم شخصاً هیچگونه ابتلائی ندارم ولی اصولاً عرض میکنم بنده خودم هم این طرح را امضا نکرده ام ولی موافقم با این طرح برای اینکه حقیقهً مخارج املاک گران شده است و اجاره ها بقیمت قبل مانده است و طبق این لایحه پیشنهادی هم تقریباً يك ثلث از منافع را برای مالک نگاه داشته است و بی انصافی هم نکرده است و باز هم منافع مستاجرین محفوظ مانده است مستاجرین که املاک را اجاره میکنند ضرر را هیچوقت نپرداخته اند ولی باوصف این بنده عرض میکنم که معتقد بيك فوریت هستم و همانطور که آقای دکتر طاهری فرمودند در خود

لایحه هم يك فوریت است اگر اینطور است آقایانی که امضاء کرده اند دو فوریت را میروند بکمیسون پس بکفوریت دارد و با این توضیحی که میفرمایند يك فوریتش را پس بگیرند و بایک فوریت تقاضا کنند.

رئیس - آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی - در اصل موضوع که بنده صحبت نمیکنم والا ادله قوی دارم که باید این قانون تصویب شود یکی راجع بدو فوریت چون آقایان میفرمایند از ۱۳۲۱ گذارده اند چند روز زودتر یا دیرتر طوری نمیشود لیکن بعقیده بنده این باید دو کمیسیون را سیر کند مطابق قانون باید برود بکمیسون مبتکران دولت برود توضیح بدهد بعد بیاید در کمیسیون داد گستری و لایحه در آنجا تنظیم شود بیاید به مجلس که وقت مجلس وفا نمیکند این است که بایک فوریت موافقت بفرمایند بعد هر حرفی که دارند بفرمایند.

رئیس - موافقین بایک فوریت این پیشنهاد بر خیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. پیشنهاد آقای روحی:

پیشنهاد میکنم که این لایحه به کمیسیون داد گستری هم مراجعه شود.

ملك مدنی - این لایحه باید بکمیسون داد گستری برود چون يك مسئله حقوقی است و مناسبت ندارد به کمیسیون دیگری برود خواستم عرض کنم چایش آنجاست و بکمیسون دارائی ارتباط ندارد (صحیح است)

بعضی از نمایندگان - ختم جلسه.

[۵ - شور اول گزارش کمیسیون داد گستری راجع باصلاح چند ماده در قانون تشکیلات عدلیه و استخدام قضاة و رأی برورود در شور دوم]

رئیس - اجازه بدهید این يك ماده را هم بگذرانیم بعد جلسه را ختم کنیم. گزارش کمیسیون قوانین داد گستری قرائت میشود:

گزارش از کمیسیون قوانین داد گستری

به مجلس شورای ملی

کمیسیون قوانین داد گستری طرح پیشنهادی عده ای

از آقایان نمایندگان محترم راجع به جرح و تعدیل در قوانین دادگستری را با حضور آقای وزیر دادگستری مطرح نموده پس از مطالعات لازم در اطراف مواد پیشنهادی در نتیجه یکی از مواد طرح مزبور را با اصلاحی برای شور اول تصویب و اینک بعنوان ماده واحده گزارش آن را تقدیم مجلس شورای ملی مینمایم و بقیه مواد طرح مزبور بترتیبی که مورد تصویب کمیسیون واقع شد گزارش آنها تقدیم خواهد گردید.

ماده واحده - مواد ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ و ۲۷ قانون اصلاح قسمتی از قانون تشکیلات عدلیه و استخدام قضاة مصوب ۶ دیماه ۱۳۱۵ راجع به تشکیل و وظایف شورای عالی تحت ریاست وزیر عدلیه نسخ میشود و کلیه تخلفات قضاة در دادگاه عالی انتظامی رسیدگی خواهد شد

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده موافقم.

رئیس - آقای سزاوار

سزاوار - البته آقایان مستحضرنند که رسیدگی بشکایات قضات تماماً در دیوان عالی تمیز (دیوان عالی انتظامی) رسیدگی میشود و یک قانون مخصوصی دارد. در ادوار گذشته یک شورای عالی هم در وزارت دادگستری تأسیس شد که این شورای عالی غالباً در غیاب قضات بدون اعلام اتهام رسیدگی میکرد و قضات را گاهی میشد بانفصال ابد محکوم میکرد و این بنظر بنده و همه آقایان برخلاف عدالت و حق گذاری بود در کمیسیون دادگستری هم مذاکره شده و آقای وزیر دادگستری هم موافقت کردند برای طرح اصلاحی که دو مرتبه شکایت از قضات را در دادگاه عالی انتظامی طرح کنند ولی چیزی که هست قانون سابق یک آثاری از خودش باقی گذاشته است که یک عده بی گناه روی همان شورای عالی یک محکومیت هائی برایشان پیدا شده است بنا بر این حالا که ما میخواهیم این نظر را بگیریم که یک هم چه قانون سختی که برخلاف حق گذاری و عدالت بود و وزارت دادگستری هم پیشنهاد کرده است که مجلس شورای ملی این قانون شورای

عالی بنا به نسخ کند لازمه اش این است که آهنائی هم که بکلی محروم شده اند یک تجدید نظری در باره شان بشود سابقه هم دارد (صحیح است) نه اینکه بطور کلی معاف شوند ولی رسیدگی مجددی بشود بنا بر این تبصره پیشنهاد میکنم و تقدیم میکنم که آن اشخاصی که مطابق رأی شورای عالی محکوم شده اند آنها حق داشته باشند تا یکماه بمحکمه عالی انتظامی تقاضای تجدید نظر بنمایند که رسیدگی شود اگر واقعاً گناهکارند محکوم میشوند و اگر نیستند تبرئه میشوند (دستی - صحیح است)

رئیس - آقای اوحدی.

اوحدی - بنده دیگر عرضی ندارم.

رئیس - آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی - اولاً لازم است که یک موضوع را بعرض آقایان برسانم و آن این است که در مملکت وقتیکه مشروطه شد دموکراسی شد قاضی باید استقلال داشته باشد اگر استقلال در رأی نداشته باشد قاضی در واقع نمیتوان آنرا قاضی دانست قانون استخدام قضات محکمه معین کرد باسم محکمه عالی انتظامی در دیوان کشور که به تقصیرات قضات اگر کسی از شان شکایت دارد بمحکمه انتظامی شکایت میکند محکمه انتظامی هم به تقصیر ایشان رسیدگی میکند اگر مقصود مجازات میشود اگر نیستند تبرئه میشوند و در دوره های گذشته همچو صلاح دانستند که قضات را محدود کنند و بعقیده بنده آن استقلال قاضی را از میان بردند و آمدند یک مشاوره عالی قائل شدند چند ماده قانون هم گذراندند که محاکمه قضات در شورای عالی بشود در تحت نظر وزیر که وزیر هر قاضی را بخواهد محکوم بکند بکند و استقلال قضات را از بین برد و حتی شنیدم قاضی را دعوت میکردند بمحاکمه و هنوز نیامده محکومش میکردند بانفصال ابد که لاف اول نیاید توضیحانی بدهد این بود که در طرح پیشنهادی که جمعی از آقایان پیشنهاد کردند بمجلس شورای ملی که یک قوانینی لغو شود من جمله این چند ماده بود که لغو شود و بر گردد بهمان محکمه عالی انتظامی که قاضی استقلال در رأیش داشته باشد و وزیر نتواند او را محاکمه کند حالا

پیشنهادی که آقای سزاوار کردند بلی بکمیته هم مقبول این قانون شده اند این نظر ارفاقی است و اصلاحی است که پیشنهاد کرده اند و چون شور اول است میرود بکمیسیون و در آنجا مطالعه میشود و بسته است بنظر آقایان و نظر آقای وزیر دادگستری.

بعضی از نمایندگان - کافی است مذاکرات.

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - بنده هم یکی از اشخاصی هستم که این طرح را پیشنهاد کردم و چند قسمت از قوانین قضائی ما است که مربوط بسازمان قضائی است که باید آقای وزیر دادگستری توجه بفرمایند که زودتر لغو و نسخ کنند که رفع اشکالات بشود یکی از آنها همین موضوعی است که آقای مؤید احمدی توضیح فرمودند قضیه معنی ندارد که قاضی در قضاوت کردن آزاد نباشد استقلال نداشته باشد این برخلاف اصل است یکی دیگر هم اینست که میخواهم از موقع استفاده کنم و عرض کنم موضوع قضاوت نسبت بعموم بایستی یکنواخت و آزاد باشد و اینجا در مملکت ما قانون دیوان کیفر برخلاف اصل است و بنده خواستم بطور اختصار فعلاً این موضوع را بعرض برسانم که این قضیه دیوان کیفر برخلاف اصل بوده و در هیچ جای دنیا چنین دیوانی سابقه ندارد بدیهی است اگر کسی متهم شد باید مطابق قانون جزای عمومی محاکمه بشود دیگر این ترتیب که دیوان خاصی درست گردد و به نحو مخصوصی رسیدگی شود حالا دیگر مقتضی نیست و صحیح نیست و خواستم آقای وزیر دادگستری توجه بفرمایند و زودتر این موضوع را تحت توجه قرار داده و لایحه اصلاح آن بمجلس داده شود که از این حیث هم خیلی اشخاص که در زحمت هستند آسوده بشوند زیرا دیوان کیفر با وضعیت فعلی ما هیچ مناسب نیست.

وزیر دادگستری - راجع به پیشنهاد آقای سزاوار بنده

هم موافقت میکنم که بکمیسیون برود برای یک مطالعه چون بنده خودم هنوز مطالعه نکرده ام که آیا اشخاصی که محکوم شده اند در شورای عالی به حق بوده است یا خدای

نکرده اظهار غرض شده است بعد از آن نظر خودم را در کمیسیون خدمت آقایان عرض میکنم راجع بموضوعی که آقای ملک مدنی بیان فرمودند در کمیسیون هم که سابقاً بنده خودم عضویت آنجا را داشتم مطرح شد و جزء آن طرحی هم که آقایان پیشنهاد کرده بود این موضوع یک دلائل له و علیه دارد چون این سازمان طوری است که نسبت بتمام کارکنان دولت در مرکز و همه ولایات یکنواخت عمل میشود و نسبت بهمه جا مشمول دارد حکم دیوان کیفر و رسیدگی او نسبت بتمام کارکنان دولت است در تمام ولایات و مرکز در صورتیکه محاکم جزائی هر کدام حدود صلاحیت مخصوصی را دارا هستند مثلاً استیناف فارس اصفهان یا آذربایجان یا خراسان یا کرمان محدود است به حوزه خودش و رسیدگی های جنحه محدود بحوزه های صلاحیت محاکم بدوی و آن روزی که این محکمه تشکیل شد میباشد (این دیوان کیفر) برای این بود که دارای یک قوتی باشد که بتواند تمام افراد کارکنان کشور را به نهج واحده بزه هایشان را رسیدگی کند و مجازات بدهد تصدیق میفرمائید که در ولایات که جای محدودی است و چند نفر هم از مأمورین دولت در آنجا هستند باهم رابطه زیاد دارند یا نظر مخالفی باهم دارند اگر یکی از همانها در همان محکمه ولایات محاکمه کنند این یک قدری به نظر خوب نمیآید و معلوم نیست زیاد نتیجه خوب بدهد اینها یک مطالعاتی است که در تشکیل این دیوان شده است و چون این دیوان در همه ولایات نماینده دارد یا اشخاصی را به نمایندگی خودش تعیین میکنند برای رسیدگی های مقدماتی و اصل رسیدگی در خود دیوان کیفر که در مرکز است بعمل میآید از یک جهت هم همانطور که بیان فرمودند سابقه ندارد و در سایر ممالک دیگر هم نیست این قسمت هم راست است ولی میخواهم عرض کنم که اقتصادی کشور با کشور های خارجی در همه چیز یکسان نیست یک قدری ما تازه کار هستیم و تازه در این امور قدم گذاشته ایم غرض این است که دلائل له و علیه هر دو برای این امر هست که بیان آن دلایل بطور تفصیل جایش اینجا نیست و البته در خارج که مطرح شد بعرض آقایان

خواهم رسانید و باموافقت نظر آقایان يك تصميمی خواهيم گرفت
[۶ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر دادگستری]

وزیر دادگستری - يك لایحه هم هست اصلاحی است در قانون امور حسبی که تقدیم میکنم.

رئیس - بكمیسیون رجوع میشود.

[۷ - بقیه شور اول لایحه اصلاح قسمتی از قانون تشکیلات دادگستری و استخدام قضات

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده هم میخواستم به آقای وزیر دادگستری این تذکر را بدهم در خصوص اصلاح این قانون که حق محاکمه قضات دادگستری را بشورای عالی نباید بدهند و این به نظر بنده شایسته نیست و نسخ آن خیلی خوب است چون در دوره گذشته سعی شده کم کم استقلال قضات را بکاهند و کاستند و استقلال قضات در این اواخر بکلی از بین رفته بود در صورتیکه استقلال قضات بنظر بنده یکی از ارکان اساس حکومت مشروطه است (صحیح است) و باید استقلال قضات بدرجه باشد که نفوذ هیچ وزیر و رئیس الوزرائی در حکم محکمه تأثیر نداشته باشد و چون اینطور نبود شورای عالی را گذاردند که وزیر دخالتی در جریان قضایی نکند بنابراین لغوش بد نیست و خوب است بنظر بنده فقط چیزی که میخواستم اضافه کنم این است که آقای سزاوار و بعضی از آقایان هم تذکر دادند و پیشنهاد کردند که يك قسمت از تمام این جریاناتی که اتفاق افتاده است یعنی آن اشخاصی که بر حسب آن قانون محکوم شده اند حق داشته باشند که حالا تجدید نظر بخواهند و به محکه انتظامی بروند و این برای این است که واقماً حق آنها پایمال نشده باشد و شاید بیش از دو سه نفر نباشند که این موضوع درباره آنها اتفاق افتاده

است که بامر وزیر از قضاوت منفصل شده اند حالا باید دید اگر حقیقتاً باید منفصل بشوند که رأی سابق ابرام میشود و معلوم میشود شخص اعمال غرض نکرده و اگر غیر از این باشد احقاق حقی برای این عده هم خواهد شد و يك پیشنهادی هم بهمین مضمون من کرده ام و امیدوارم مورد توجه واقع گردد و این امر اصلاح شود.

ملك مدنی - صحیح است این حرف آقا باید تجدید نظر بخواهند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود: پیشنهاد آقای سزاوار.

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم کسانی که تا کنون باستناد مواد نامبرده در شورای عالی قضائی محکوم شده اند میتوانند از تاریخ اجراء این قانون تا يك ماه از دادگاه عالی انتظامی درخواست تجدید نظر نمایند. سزاوار

پیشنهاد آقای دشتی: تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم: کسانی که تا کنون به استناد مواد نامبرده در شورای عالی قضائی محکوم شده اند میتوانند از تاریخ اجراء این قانون تا يكماه از دادگاه عالی انتظامی تجدید نظر بخواهند **دشتی رئیس** - هر دو پیشنهاد یکی است بكمیسیون فرستاده میشود. موافقین با ورود در شور دوم لایحه برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

[۸ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - تصویب میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) **جلسه آتیه روز پنجشنبه ۳ ساعت و نیم بظهر مانده دستور هم انتخاب هیئت رئیسه.**

(مجلس یک ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

اجازه مبادله زرهای موجوده در خارج ایران با سیم موجوده پشتوانه اسکناس

ماده واحده - هیئت نظارت اندوخته پشتوانه اسکناس مجاز است از زرهايیکه جزء پشتوانه اسکناس در خارج از ایران بدست آمده یا بدست خواهد آمد بایران وارد نموده و با سیم موجوده در پشتوانه تبدیل و سیم مزبور را بفروش برساند نرخ فروش سیمی که از این تبدیل بدست میآید و سایر وسائل اجرای این قانون بنا به پیشنهاد هیئت نظارت اندوخته اسکناس و تصویب هیئت وزیران مقرر خواهد شد.

هیئت نظارت اندوخته اسکناس همچنین مجاز است که در مقابل دریافت زر از بانک ملی ایران در تهران بنرخ قانونی سیم اعم از شمش یا مسکوک بنرخ قانونی از پشتوانه خارج و ببانک ملی ایران تحویل نماید.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه دهم مهر ماه یکهزار و سیصد و بیست و دو بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری